

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پایان نامه کارشناسی ارشد، رسد جامعه‌شناسی  
دانشگاه اقرالعلوم

عنوان:

# نظریه‌ی اجتماعی سنت گرایان با تأکید بر نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر شمس‌الله مریجی

دانشجو:

طاهره عطوفی کاشانی

۱۳۸۸

«و هو الاولُ و الاخرُ و الظاهرُ و الباطنُ و هو بكلُّ شئٍ عليمٌ»

تقدیم به:

جان جانان حضرت بقیه الله الاعظم روحی فداه، آن عدالت گستر و سرور نظام هستی، که با ظهورش آخر زمان را نور باران و حقیقت را بر فریب و خدعه‌ی زمانه، غالب خواهد نمود؛

و به باقرالعلوم(ع)، همو که نامش، سکوی پروازم را به سوی حقیقت علم زینت بخشید؛  
و به کریمه‌ی اهل بیت(ع)، که مرا در سرزمین ملائک به سوی نقطه‌ی اوج مدد رساند؛  
و به مادرم، او که تا ابد می‌سرایمش.

## تقدیر و تشکر:

بر خود لازم می‌دانم تا به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» سپاس و امتنان خویش را از کلیه‌ی اساتید این دانشگاه بنمایم که مسیر علم آموزی را هموار نمودند؛ بویژه نسبت به استاد ارجمند و فرزانه جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا، که قطره‌ای از سخنان گوهر بارشان، همچون دریایی موج از علم بود تا این نوشتار، از رهنمون ایشان تدوین گردد؛ همچنین، از استاد فرهیخته جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر شمس‌الله مریجی، که در طول انجام این مهم مرا یاری فرمودند، فروتنانه قدردانی می‌نمایم. دعایم تا آخرین لحظات عمرم نثارشان؛ باشد مرا در مسیر تحصیل علم و عاقبت به خیری دعا فرمایند .

و نحن نقول الحمد لله رب العالمین

## چکیده

سنت‌گرایی، جریانی است که از دریچه‌ی دین پژوهی و با رویکرد درون دینی به نقد مدرنیته پرداخته و نقدهایی مبنایی بر آن وارد کرده است.

به طور کلی این رساله در صدد است تا ضمن تفسیر مبانی نظری سنت‌گرایان و با استناد به این اصول، نظریه‌ی اجتماعی آنان، البته با تأکید بر آراء پدر این جریان، یعنی رنه گنون تحلیل نماید که از دل انتقاداتشان بر حوزه‌های نظری و اجتماعی دنیای متجدد به عمل آمده است.

این رساله، از مبحث مقدماتی و سه بخش اصلی و نتیجه‌گیری تشکیل یافته است که در آن، هر بخشی و در ذیل آن هر فصلی، زمینه ساز ورود به بخش و یا فصل دیگر خواهد بود. بخش اول، با عنوان زمینه و بسترهای تکوین نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون، به دو فصل مجزای زمینه‌های غیرمعرفتی و زمینه‌های معرفتی تقسیم شده است؛ در فصل اول، دورنگایی از زندگینامه‌ی رنه گنون، سنت‌گرایی اصلی در رساله‌ی حاضر، و نیز زمینه‌های فکری و اجتماعی وی از نظر می‌گذرد، تا خواننده به شخصیت و افکار و دغدغه‌های فکری و اجتماعی او نزدیک گردد که این امر، در فهم زمینه‌های معرفتی و نظریه‌ی اجتماعی او مدد خواهد رساند. در فصل دوم این بخش، به مبانی فکری و رویکرد خاص او پرداخته می‌شود؛ چرا که تبیین نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایی نیز در چارچوب اصول و مبانی معرفتی آن قابل درک است که در آن، سلسله مراتب وجود در نظام هستی، معرفت و انسان به اثبات می‌رسد و در این راستا در بخش بعدی آن سلسله مراتب اجتماعی نیز ثابت می‌شود.

در بخش دوم، که محوری‌ترین بخش این مجموعه به شمار می‌آید، در سه فصل کلیدی تنظیم شده است که در فصل اول آن با عنوان فلسفه‌ی تاریخ، فرآیند تاریخی ادوار اجتماعی، که به هبوط معنویت در پایان دور می‌انجامد، از دیدگاه گنون به تصویر کشیده می‌شود و با این بیان، به طور تدریجی قدم در دوران اصلی و مورد بحث خود، یعنی دوران مدرنیته می‌گذارد و به شه‌ای از اصلی‌ترین ویژگی‌های آن دوران، که به عصر ظلمت مشهور است، پرداخته می‌شود که در آن، عالم به سوی انجماد و سرانجام انحلال گرایش می‌یابد؛ در فصل دوم با نام نقد مدرنیته در سه مبحث اصلی و طویل، در سه قلمرو فلسفه، علم و تکنولوژی و فلسفه‌ی سیاسی، آن خصایص منحصر به فرد و مبنایی را تشریح و به باد نقد می‌کشد و بحران دنیای متجدد و انحطاط حاصل از شکاف بین تمدن و سنتی و غیرسنتی تبیین می‌شود که در آن مشاهده می‌گردد که چگونه به دنبال سیر نزولی دوری بشر، چنین انحطاطی پدید آمده است. در پایان این بخش، یعنی در فصل سوم، با نام جامعه‌ی آرمانی گنون، ضمن پاسخ به چینیستی پایان تاریخ و آینده‌ی جهان، جامعه‌ی مورد نظر وی، که با ابتناء بر سنت‌های الهی ایجاد شده است، از سوی نگارنده بازسازی می‌گردد و پیوند مبانی نظری با اندیشه‌های اجتماعی او به اثبات می‌رسد. در بخش سوم، با عنوان نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت‌گرایان، ضمن بحث کلی در باب مبانی نظری و نظریه‌ی اجتماعی

آنان، حداقل از مختصات نظري دو متفکر دیگر، يعني فريتيوف شؤوان و حسين نصر، بهره برده است.  
**کلید واژه:** نظريه اجتماعي، سنت، سنت‌گرایی، رنه گنون، نقد مدرنیته.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۴	مبحث مقدماتي
۵	۱- بیان مسأله
۷	۲- اهمیت موضوع و فايده آن
۸	۳- سابقه‌ي پژوهش
۸	۴- سئوال اصلي پژوهش
۹	۵- سئوالات فرعي
۹	۶- فرضیه‌هاي پژوهش
۹	۷- اهداف پژوهش
۱۰	۸- روش پژوهش
۱۰	۹- روش گردآوری اطلاعات
۱۰	۱۰- سازماندهي پژوهش
۱۱	۱۱- چارچوب مفاهيم
	<b>بخش اول، زمینه‌ها و بسترهاي تکوين نظريه اجتماعي</b>
۱۵	رنه گنون
۱۶	درآمد
۱۸	<b>فصل اول، زمینه‌هاي وجودي غيرمعرفتي</b>
۱۹	۱- زندگینامه
۲۲	۲- زمینه‌هاي فکري
	۲-۱- ریشه‌هاي اندیشه گنون در برخي مکاتب و
۲۳	اديان
۲۷	۲-۲- ميراث گنون
۲۹	۳- زمینه‌هاي اجتماعي
۳۲	<b>فصل دوم، زمینه‌هاي وجودي معرفتي</b>
۳۳	۱- مباني نظري
۳۳	۱-۱- هستي شناسي
۳۹	۱-۲- انسان شناسي
۴۵	۱-۳- معرفت شناسي
۴۷	۲- رویکرد عرفاني

۵۰	– شریعت، طریقت، حقیقت
۵۳	۳– روش شناسی بنیادین
۵۵	<b>بخش دوم، نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون</b>
۵۶	درآمد
۵۷	<b>فصل اول، فلسفه‌ی تاریخ</b>
۵۹	۱– ادوار تاریخی
۶۳	۲– عصر ظلمت
۶۷	۳– زمینه‌ها و علائم حدوث پایان دوران
۷۱	<b>فصل دوم، نقد مدرنیته</b>
۷۲	۱– نقد اندیشه‌های فلسفی
۷۶	۱-۱– ظهور فلسفه در غرب
۸۱	۱-۲– مذاهب اصالت عقل و اصالت بشر
۸۷	۱-۳– مذهب اصالت ماده
۹۱	– نقطه‌ی اوج انحراف در مرتبه‌ی هستی‌شناسی
۹۶	۲– نقد علم و تکنولوژی نوین
۹۷	۲-۱– علم از منظر گنون
۱۰۱	۲-۲– تبیین متافیزیکی علم مدرن
۱۰۵	۲-۳– روش‌شناسی علم مدرن
۱۱۰	۲-۴– انواع علم مدرن
۱۱۰	۲-۴-۱– روان‌شناسی جدید
۱۱۳	۲-۴-۲– جامعه‌شناسی
۱۱۴	۲-۵– تکنولوژی نوین
۱۱۶	۲-۵-۱– گمنامی
۱۱۹	۲-۵-۲– شهر‌گرایی
۱۲۱	۳– نقد فلسفه سیاسی
۱۲۲	۳-۱– عرفان و سیاست
۱۲۴	۳-۲– تبیین سنت‌گرایانه‌ی تئوری دموکراسی
۱۲۹	۳-۳– لیبرالیسم و دموکراسی
۱۳۲	<b>فصل سوم، جامعه آرمانی گنون</b>
۱۳۴	۱– آینده‌ی جهان
۱۳۷	۲– جامعه‌ی مبتنی بر سنت
۱۴۱	<b>بخش سوم، نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت‌گرایان</b>
۱۴۲	درآمد
۱۴۶	<b>فصل اول، سنت</b>
۱۴۹	<b>فصل دوم، مبانی نظری دیگر سنت‌گرایان</b>
۱۵۰	۱– هستی‌شناسی
۱۵۲	۲– معرفت‌شناسی
۱۵۴	۳– انسان‌شناسی

---

---

۱۵۷	..... فصل سوم ، نظريه ي اجتماعي ديگر سنت گرايان
۱۶۰	..... ۱- فلسفه ي جديد
۱۶۲	..... ۲- علم مدرن
۱۶۵	..... نتیجه گيري
۱۷۳	..... منابع و مآخذ



## مقدمه

نظریه‌های اجتماعی موجود در دنیای مدرن مبتنی بر نوعی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی است که بُعد متعالی هستی را نادیده می‌انگارد و آن را به ساحت عالم طبیعی تقلیل می‌دهد و به بشر، به عنوان موجودی تک‌ساحتی نظر می‌دوزد که در بُعد جسمانی خویش خلاصه شده است. در این نگاه، هسته‌ی اصلی دنیای متجدد در تقابل با حیات دینی مورد نظر ادیان وحیانی و اعراض از عقل قدسی و شهودی شکل می‌گیرد که با فروکاستن عقل شهودی به عقل استدلالی، سبب می‌شود که معرفت قدسی دسترس‌ناپذیر و حتی برای برخی بی‌معنا شود. در این حال، عقلانیت جدید، مدعی روشن ساختن تمام عرصه‌ی هستی در افق دریافت خود، می‌گردد. بدین ترتیب، غرب مدرن بنا بر ماهیت سکولارش جهان اجتماعی خویش را یا با متغیرهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تقلیل می‌دهد و یا به طرزی زیرکانه از کنار آن با سکوت می‌گذرد و این‌چنین، نظم اجتماعی موجود در آن را تبیین می‌نماید.

از قرن حاضر، که متجددان با اطمینان فراوان به آینده‌ی خویش، با هدف استیلاء یافتن در جهان به زدودن باقی‌مانده‌های سنن معنوی و سایر تمدن‌های جهان مشغول بودند، جریان‌های متأخری دغدغه‌ی حمله به حوزه‌های نظری و اجتماعی آن‌ها را در سر می‌پروراندند که از منظری دینی، مدرنیته را به چالش کشاند. بر این اساس، نقدهای آنان، نقدهایی نه از درون تجدد، بلکه انتقاداتی بیرونی و به عبارتی درون دینی بود که می‌توانست ریشه و بنیان مدرنیته را بخشکاند. بر این پایه، سنت‌گرایی از جمله جریان‌اتی است که مظهر‌گرایی‌اشی است که از اوایل قرن بیستم، در قبال مدرنیته و در جهت برون رفت از بحران‌ها

و آشوب‌های حاصل از آن شکل گرفت. این جریان، به دلیل ماهیت حقیقی‌اش، تا به امروز نیز متفکران زیادی را به خود جلب نموده است. گرچه سابقه سنت‌گرایی، بر طبق ادعای این جریان، به دلیل اعتقاد به مجموعه‌ای از حقایق فراتاریخی، به سابقه‌ی تاریخ بشر بر می‌گردد، لکن به عنوان گرایشی آگاهانه، به پاره‌ای از عقایدی، که به طور صحیح در قبال آراء انسان مدرن قرار می‌گیرد، با مساعی «رنه گنون»<sup>(۱)</sup>، عالم و عارف فرانسوی، (۱۹۵۱-۱۸۸۶ م.) هویتی مستقل یافت. رویکرد غالب پوزیتیویستی موجود در فضای اجتماعی آن دوران، فضای فکری او را دچار تعرض نمود؛ پس از این سرگشتگی، به منظور دستیابی به «حقیقت»، به سنن معنوی شرقی روی آورد و از منظر عرفانی به بازخوانی جهان مدرن پرداخت؛ لذا عمده‌ی نظریات او، اجتماعی است و مبتنی بر مبانی نظری و رویکرد عرفانی است؛ از این حیث، این جریان واجد ظرفیت روشنفکری است که در آن «حقیقت» محور نظام هستی و جهان بینی آن مبتنی بر جمیع سنت‌های اصیل است.

بنابراین مبانی نظری سنت‌گرایی، ناظر به سلسله مراتب وجود است که رأس هرم، جایگاه ذات احدیتی است که همچون خورشیدی به دیگر مراتب، هستی می‌بخشد و در ظهور متجلی می‌گردد. بدین وصف، مراتب پایین‌تر بنا بر اصل تناظر معکوس، انعکاسی از مراتب بالاترند. تفکر سنتی، در بعد معرفت‌شناختی نیز همه چیز را متفرع از معنویت محض و معرفت مطلقه‌ی اشراق و شهود عقلانی می‌داند که دیگر مراتب معرفت متناسب با درجه و جایگاه خویش از آن کشف و شهود عرفانی ارتزاق می‌شود؛ از این حیث، در نگاه سنت‌گرایی جایگاه دیگر مراتب نیز تأیید می‌شود. با این نگاه، انسان ذومراتب است؛ اما سعادتش ناظر به توجهش به بعد الهی است. او جلوه‌ای از اسماء الهی است که اگر به این مقام واقف گردد به جایگاه رفیع انسان کامل می‌رسد و خلیفه‌ی خداوند بر زمین و واسطه‌ی آسمان و زمین می‌شود. از این حیث، مسیر شناخت عالم و آدم، علمی است که ترجمان حقایق واحد به زبان‌های گوناگون است و مراتب وجود را با زبان خاص خود ارائه می‌دهد.

عطف به این دیدگاه، خاستگاه نظریه‌ی اجتماعی گنون، بر پایه‌ی سلسله مراتب عمودی وجود است که به زعم وی،

---

1. Rene Guenon.

تنها مسیر صحیح تبیین عالم هستی است. نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرای، علوم و موارد کاربرد آن را وابسته به اصل می‌داند؛ پس تمام علم، نتیجه‌ی مسلم‌دکترین ماوراءالطبیعی است که سراسر، قدسی است. بنابراین، همین وابستگی امور به ذات است که نظریه‌ی اجتماعی‌گنون را در تقابل با نظریه‌ی اجتماعی‌تجددگرایان قرار می‌دهد. او پیوندی بین عمل و معرفت قائل است و بر شروع هر امری با معرفت تأکید می‌نماید. از این حیث، بحران دنیای متجدد را در غفلت متجددین از ساحت قدسی و معرفت‌شهودی می‌داند و معتقد است جهان مدرن، طبیعت را منقطع از مبدأ فاعلی و غایی تعریف می‌نماید. او در ابتدای امر، در فلسفه‌ی تاریخ، ادوار اجتماعی-تاریخی خویش را مبتنی بر سیر هبوط معنویت و گرایش به سوی کمیت، ترسیم می‌کند و پایان دوران را عصر ظلمت می‌نامد که در انتهای آن، عالم و تمام پدیده‌های اجتماعی از جمله علم، تکنولوژی و مناسبات اجتماعی و سیاسی به سوی انجماد و سیطره‌ی کمیت گرایش دارند و سرانجام، در این مسیر زمانی فرا خواهد رسید که «چرخ از حرکت باز خواهد ایستاد» و جهان و پدیده‌های آن به سوی انحلال سوق خواهد یافت. وی علت این امر را در حوزه‌های فلسفی و نظری مدرن می‌جوید. بدین ترتیب، انسان متجدد نگاه خویش را از آسمان به سوی زمین می‌برد و امور اجتماعی را به صورت زمینی تبیین می‌کند؛ حتی اگر در این میان، رو به سوی معنویت آورد، آن را از قلمرو دانی تفسیر خواهد نمود. اما با این وجود گنون فرجام تاریخ را مثبت ارزیابی می‌نماید؛ چرا که سرانجام حق بر باطل پیروز خواهد شد و پایان دوران، پایان دنیای متجدد توأم با تفکرات فردگرایی و حق‌گریزی خواهد بود که آن شروع دوره و من‌ونترایی است که همه‌ی پدیده‌های اجتماعی به اصل و ذات خویش متصل می‌گردند و جهان یکسره مشحون از معنویت محض خواهد شد.

# مبحث مقدماتی

## ۱- بیان مسأله

در سده‌ی اخیر، جریان‌های متعددی در غرب و شرق در تقابل و تضاد با مدرنیته پا به عرصه‌ی وجود نهاد که به لحاظ مبادی و اصول با یکدیگر اختلافات بنیادینی داشتند؛ پیدایش برخی از این جریان‌ها، همانند نگرش پست مدرن، مرهون زمینه‌های معرفتی مدرنیته بود که در آن علی‌رغم رویکرد انتقادی نسبت به جهان متجدد، به ویژه علم مدرن، از برخی اصول مبنایی آن دانش در جهت سازمان‌دهی نقدهای خود، بهره‌مند می‌شد که سرانجام به نوعی نسبت فهم و حقیقت دست یافت.

برخی دیگر از این جریان‌ها، خواهان صورتبندی مجدد فهم دینی از نظام هستی، نظام بشری، جامعه و تاریخ بودند که در آن معرفت دینی را نه در کنار دیگر معارف، بلکه تنها معرفت صحیح در فهم و درک هستی و انسان، مبنای نظریه پردازي خود قرار دادند و مجدانه و به طور همه جانبه به مبانی نظری دینی معطوف شدند.

یکی از مهم‌ترین این جریان‌ها، سنت‌گرایی است که در غرب تولد یافت و با متفکرانی چون رنه گنون، فریتدیف شووان<sup>(۱)</sup>، آناندا کوماراسوامی، ... و حسین نصر شناخته می‌شوند. این جریان فکری، با تأیید جمیع سنن و ادیان الهی، از منظری درون دینی به مسایل مدرنیته نظر می‌دوزد؛ از این رو، به لحاظ نظری متوجه حقایق و اصول لایتناهی و ثابتی است که براساس آن، حوزه‌های گوناگون از جمله مابعد الطبیعی، مشارب باطنی، نقد جهان مدرن و... را بررسی و تبیین می‌نماید؛ لکن این رساله، در صد تدقیق و تشریح عمیق کلیه این جوانب نیست، بلکه تنها به لحاظ اجتماعی نگاه سنت‌گرایی به جهان مدرن و نقدهای وارد بر حوزه‌های اجتماعی آن را بررسی خواهد نمود؛ در

1. Friths of Schoun.

این میان، اگر به برخی اصول و عناصر نظری می‌پردازد، صرفاً بخاطر فهم دقیق نظریه‌های اجتماعی آنان است، چرا که این نظریه‌ها، مبتنی بر چارچوب مبانی نظری آن صورت می‌پذیرد.

بینش سنت‌گرایی، توأم با رویکرد عرفانی است که در آن نگاهی ویژه به خداوند، جهان و انسان دارد و خاستگاه نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایی، در سه قلمرو هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، بر پایه‌ی سلسله‌مراتب عمودی وجود است، به نحوی که مراتب پایین زنجیره در قالب رمز، بر طبق اصل تناظر و قیاس معکوس، تجلی مراتب بالاتر است. در تفکر سنتی، رأس این سلسله مراتب، ذات حضرت حق جای دارد و نظام هستی و موجودات آن مظهري از حقایق عالی‌اند که کانال شناخت آن، از مسیر اشراق و شهود عقلی می‌گذرد. با این نگاه، تمام مراتب عقول در درجه‌ی خویش سرچشمه‌ی علوم متعدد هستند که هر یک مقدمه‌ای برای عروج به مقام معنویت و حقیقت محض خواهند بود. در این راستا، نگاه عارفانه، عقل جزئی را، که در مراتب زیرین حوزه‌ی معرفت مستقر است، همچون مرکبی می‌پندارد که انسان را در مسیر حقیقت در محدوده‌ی خاصی حرکت می‌دهد که قابلیت آن را داشته باشد، زمانی که به محورهای حساس و جاده‌های پر پیچ و خم وقوف یافت، توانایی خویش را از کف می‌دهد، لکن در مسیر وصول به حقیقت، باید با مرکب شهود ره بپیماید. لذا نگاه عرفانی سنتی، با خود نقد عقلانیت مدرن را به‌مراه دارد. بنابراین، سنت‌گرایان نقدهای مبنایی بر مدرنیته وارد آورده‌اند.

بینش سنتی، که قائل به پیوند معرفت و عمل است و از این حیث، معتقد است هر امری و لو حوزه‌های اجتماعی موجود در عالم کثرت، باید از معرفت آغاز شود؛ در این راستا، بر این نظر است که جهان مدرن با نفی کشف و شهود عقلی و عنایت به عقل استدلالی محض، خود را محدود به عالم بشری و طبیعی نموده است. در این میان، در عرصه‌های اجتماعی روز به روز کمیت بر کیفیت غلبه می‌یابد.

سنت‌گرایان معتقدند، دنیای مدرن بدین جهت خویش‌شن خود را در دام انحطاط از مسیر حقیقت و سنت هلاک خواهد نمود و به پایانی دهشتناک نزدیک خواهد شد. لکن این پایان، پایان عالمی است که جز با تبلیغات باقی مانده بود. آنان هر گونه نظریه پردازي را، که حول دروغ

پردازي‌هاي تبليغاتي و به دور از حقيقت شكل پذيرد، غير واقعي مي‌خوانند.

در اين رساله بر آنيم نقدهاي سنت گرايان بر حوزه هاي نظري و اجتماعي مدرنيته نظير فلسفه، علم و تکنولوژي نوين، سياست با استناد به مباني نظري اين جريان فکري استخراج شود. براي وصول به اين مهم، آراء رنه گنون، پدر اين جريان، به عنوان نماينده ي سنت گرایی، در محوريت بحث قرار خواهد گرفت.

## ۲- اهميت موضوع و فايده آن

امروزه، سه گرايش تجددگرا، پسا تجددگرا و سنتگرا به صورت چشم‌گیر و جدي در درون صحنه ي فرهنگي جامعه ي بشري، از جمله ايران، نفوذ يافته‌اند و نمايندگان آن، به شكل عميقي با يکديگر تبادل آراء مي‌نمایند و به واکاوي مسایل پيش رو و مرتبط مي‌پردازند. گرايشات ضد سنت، سنت را در معرض تهاجمات و افري قرار داده و به منظور منزوي ساختن آن، اقدامات فراواني را به عمل آورده‌اند. مدرنيته خويشتن خويش را در مکاتب فلسفي محبوس نکرده، بلکه حوزه‌هاي اجتماعي، به ويژه علم، را نيز در نوردیده است؛ لذا نقادان مدرنيته نيز از پرداختن به حوزه‌هاي اجتماعي کوتاهي نکرده‌اند. اگر رويکرد عميق انتقادي نسبت به مباني و بنيان‌هاي نظري و مظاهر علمي، تکنولوژيکي و سياسي غرب مدرن، فراگیر گردد، بي ترديد، سرآغاز يک رستاخيز بزرگ فکري - معنوي، جهت عبور از تونل وحشت تجدد زدگي سطحي و شبه مدرنيته ي بيمار در جهان مي‌شود.

بدین ترتیب، شناخت و سنجش جريانات معاصر فرهنگي، اگرچه براي تثبيت موقعيت، دغدغه ي نسل امروز ماست، لکن گام نهادن در مسير شناخت بدون تأمل نظري و کوشش در فهم آنها، تمناي محالي است که از ميان جريانات فرهنگي روزگار ما، سنت‌گرایی در خور توجه و تأمل است.

سنت‌گرایی و نواندیشي، در فضاي امروز به عنوان دو جرياني، که در تقابل با يکديگر معنا مي‌يابند، هر يک به ترتيب در جهت رد کامل و پذيرش تمام مدرنيسم مطرح هستند؛ لذا اين رساله به منظور توصيف جريان سنت گرایی، نظريه ي اجتماعي رنه گنون را در کانون توجه خود قرار مي‌دهد.

### ۳- سابقه‌ی پژوهش

این رساله، تحت عنوان مذکور در صدد بررسی دیدگاه‌های اجتماعی سنت‌گرایان، به ویژه رنه گنون است. از آنجا که فعالیت‌های سنت‌گرایان به دو بخش دین‌شناسی و نقد دنیای مدرن منقسم می‌گردد، تاکنون تنها مقالاتی گردآوری شده است که به بیان این دو موضوع، به طور مجزا و کوتاه پرداخته‌اند و اگر کتابی نیز در این باب یافت شود، صرفاً به بیان آثار و زندگی‌نامه‌ی آن‌ها بسنده نموده‌اند. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌نمایم.

– مقاله‌ای تحت عنوان «حقیقت سرانجام فاتح خواهد شد: رنه گنون احیاگر حکمت معنوی در غرب» اثر حسن آذرکار در نشریه‌ی جام جم به زندگی‌نامه‌رنه گنون اشاره دارد. در این مقاله، در مورد تأثیر ادیان شرقی بر گنون، هم چنین به ذکر برخی آثار او پرداخته است.

– مقاله‌ای دیگر با عنوان «راهی در مدرنیته» از آقای محمدرضا ارشاد، در هم‌شهری ماه در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است که در آن نیز به طرح مختصری از زندگی‌گنون، نگاهی کوتاه به مدرنیته، سنت و میراث وی پرداخته است.

– «خرد جاویدان، مجموعه مقالات همایش نقد تجدد از دیدگاه سنت‌گرایان معاصر» کتابی است که در سال ۱۳۸۰ به همت شهرام یوسفی به چاپ رسیده و مقالاتی در آن ارائه شده که بیشتر با نگاه فلسفی و اندیشگی به نظرگاه‌های سنت‌گرایان، نگاشته شده است، لکن در ارائه مفاهیم و کلیاتی که در این رساله مد نظر است، قابل بهره‌برداری است.

– «حکمت جاویدان (آثار سنت‌گرایان معاصر» به کوشش حسن خندق آبادی تدوین گشته که چند اثر ترجمه شده‌ی برخی سنت‌گرایان معروف و مطرح و نیز زندگی‌نامه‌های آنان را تشریح نموده است.

### ۴- سؤال اصلی پژوهش

نظریه‌ی اجتماعی سنت‌گرایان، به ویژه رنه گنون چیست و بر چه اساسی شکل گرفته است؟



## ۵- سئوالات فرعی

- منظور از سنت در دیدگاه گنون و سنت گرایان چه می باشد؟
- زمینه های تکوین نظریه های اجتماعی گنون چیست؟
- مبانی نظری مدرنیسم از منظر سنت‌گرایی و گنون چه می باشد؟
- ریشه های بحران دنیای متجدد از دیدگاه گنون چه می باشد؟

## ۶- فرضیه های پژوهش

- اندیشه های اجتماعی گنون با مبانی فلسفی او تناسب دارد.
- بنیان های نظری گنون متفاوت با مدرن است، پس اندیشه های اجتماعی او در تقابل با اندیشه های مدرن است.
- نقدهای اجتماعی او به جهان مدرن مبنایی است.

## ۷- اهداف پژوهش

از آنجا که سنت‌گرایی، یکی از جریان‌های روشنفکری دینی معاصر است و عطف به اینکه این جریان‌ها باید با تأمل نظری و بنیادی بیشتری دنبال گردد؛ این رساله قصد دارد بنیان‌های نظری این گرایش را با توجه و تأکید بر آراء رنه گنون، دنبال کند و دیدگاه‌های اجتماعی آنان را مو شکافانه بکاود تا قدمی هر چند ناچیز، در جهت نورانیت مسیر روشنفکری دینی حقیقی، گذارد و پیچک‌های آن را بزدايد.

- از این رو، نگارنده این پژوهش را در راستای حصول اهداف ذیل تدوین نموده است:
- هموار نمودن مسیر روشنفکری دینی واقعی از طریق آگاهی بخشی این جریان به جامعه علمی؛
- ترسیم مبانی نظری با رویکرد عرفانی؛
- ترسیم هندسه مدرنیته و سرانجام آن از منظر سنتی؛

## ۸- روش پژوهش

روش پژوهش، از نوع توصیفی - تحلیلی است. زیرا طبق فرضیه، بین مبانی نظری گنون و سنت‌گرایان و اندیشه‌ی اجتماعی آنان ارتباط برقرار شده است.

## ۹- روش گردآوری اطلاعات

این رساله، عطف به رسالتش، در صدد است به واکاوی آثار گنون بپردازد؛ از این حیث، به خوانش آثار، به ویژه دو کتاب «بحران دنیای متجدد» و «سیطره‌ی کمیت و علائم آخر زمان می‌پردازد»، که حاوی مطالب پر محتوا و عمیق و در عین حال سنگین، در باب موضوعات بنیادی و معرفتی و نیز اندیشه‌های اجتماعی وی می‌باشد. بدین ترتیب، این رساله به روش «تحلیل متن» و استخراج موضوعات اجتماعی تدوین شده است.

## ۱۰- سازماندهی پژوهش

این پژوهش شامل چکیده، مقدمه، مبحث مقدماتی، سه بخش و نتیجه‌گیری می‌باشد.

مبحث مقدماتی: که شامل (بیان مسأله، اهمیت موضوع و ضرورت بحث، سابقه‌ی پژوهش، سئوال اصلی، سئوال‌ات فرعی، فرضیه‌های پژوهش و...) است.

بخش اول: زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری نظریه‌ی اجتماعی گنون که شامل: فصل اول، زمینه‌های غیرمعرفتی (زندگی‌نامه، زمینه‌های فکری، زمینه‌های اجتماعی) و فصل دوم، زمینه‌های معرفتی (مبانی نظری، رویکرد عرفانی و روش شناسی بنیادین).

بخش دوم: نظریه‌ی اجتماعی رنه گنون که شامل: فصل اول، فلسفه‌ی تاریخ (ادوار تاریخی، عصر ظلمت، زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ی آرمانی) و فصل دوم، نقد مدرنیته (نقد اندیشه‌ی فلسفی، نقد علم و تکنولوژی نوین، نقد فلسفه‌ی سیاسی) و فصل سوم، جامعه‌ی آرمانی گنون (آینده‌ی جهان، جامعه‌ی مبتنی بر سنن معنوی)

بخش سوم: نظریه‌ی اجتماعی دیگر سنت گرایان که شامل: فصل اول، سنت، فصل دوم، مبانی نظری سنت گرایان، فصل سوم، نظریه‌ی اجتماعی سنت گرایان در پایان نتیجه‌گیری و فهرست منابع از پژوهش به عمل آمده است.

## ۱۱- چارچوب مفاهیم

### ۱۱-۱- نظریه

تئوری (نظریه)، در لغت به معنای اندیشیدن و تحقیق آمده که از «تئوریای» یونانی گرفته شده است. با گسترش علوم، مفهوم این واژه نیز توسعه یافته و به اندیشیدن در باب هر مسأله‌ای اطلاق می‌شود. دکتر توسلی در باب تعریف نظریه موارد و تعاریفی چند، بیان نموده است؛ اما در این میان، تنها تعریفی که پذیرفته‌اند این است که «نظریه، هم‌نگری جامع قضایای متعدد در قالب یک مجموعه‌ی پیوسته و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین کرد»<sup>(۱)</sup>. وی، این تعریف را به حقیقت نظریه نزدیکتر می‌داند.

### ۱۱-۲- مدرن

واژه‌ی «مدرن»<sup>(۲)</sup> از لفظ لاتینی Modernus و از قید Modo مشتق شده است. در زبان لاتین، Modo به معنای «به تازگی، اخیراً، تازه» است. ظاهراً کاربرد Modern و Modernus، به قرن پنجم و ششم میلادی بر می‌گردد. در حدود سال ۱۴۶۰م.، کلمه‌ی مدرن به معنای امروزی در زبان فرانسه بکار می‌رفته است.<sup>(۳)</sup>

### ۱۱-۳- مدرنیته

مدرنیته، با ریشه‌های عمیق در تحولات تاریخی، میراث خوار شش قرن تحولات (یعنی از قرن ۱۴ و رنسانس به این

۱- غلامعباس توسلی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۱، ص ۲۵.

2. Modern.

۳- شهریار زرشناس، مبانی نظری غرب، چاپ اول، تهران: کتاب صبح، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

طرف) محسوب می‌شود. مدرنیته چیزی نیست جز دستاورد عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و... در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی بشر. اگرچه این دستاوردها از سالیان دور شروع شدند، لکن اوج آن‌ها از قرن هجدهم به بعد می‌باشد. برخی، ضمن اشاره به تأثیر رنسانس و رفورماسیون در شکل‌گیری پایه‌های اصلی مدرنیته، عمدتاً روشنگری را پیش‌زمینه‌ی واقعی مدرنیته محسوب می‌دانند، و در این رابطه ضمن بررسی جایگاه یا مکان و موقعیت اجتماعی، تاریخی و جغرافیایی روشنگری و ظهور جریانات فکری و نظری متعدد نظیر «اصحاب دایره المعارف» و بسیاری از دیگر جریانات، به نخستین تقابل و رویارویی سنت و مدرنیته اشاره می‌کنند؛ سپس با توجه به نظام‌های اجتماعی و ساختارهای اجتماعی، تحولات مذکور را همراه با پیدایش علوم جدید پیش‌درآمد اصلی شکل‌گیری مدرنیته می‌دانند.<sup>(۱)</sup>

#### ۴-۱۱- سنت

هر تعریفی از سنت تابع دیدگاه معرفتی تعریف‌کننده است؛ از این حیث، برخی تعاریف، مبتنی بر نگاه دینی و برخی دیگر از منظر دنیای مدرن است. سنت در برخی از این تعاریف، حقیقتی آسمانی، الهی، مقدس و واقعیتهای پرنشاط دارد و مجرای حیات و مسیر مستمر افاضات متجدد و متحولی است که همواره تازه است. سنت در این تعریف، از ثبات و استمرار زمانی برخوردار است و در مواردی نیز، که تغییر زمانی را می‌پذیرد، همچنان از چهره‌ای ازلی و ابدی بهره‌مند می‌باشد. لکن در برخی دیگر از تعاریف، قالب سنت، فرسودگی است و کهنگی از آن به مشام می‌رسد. دوام، استمرار و قداست نیز عارضه‌ای است که به اصرار پیروان، بر آن تحمیل می‌شود. در تعاریف مدرن، سنت همان چیزی است که صرفاً متعلق به گذشته است. چیزی که در گذشته سنت نبوده، بلکه زمانی که از ظرف خود عدول کرده و تا زمانی دیگر، که متعلق به آن نیست، دوام آورده و حالا تبدیل به سنت شده است. سنت در نگاه جامعه‌شناختی رایج، ترجمه Tradition و مرادف با آن گرفته می‌شود و به معنای شیوه‌ای از رفتار و کردار است که دارای پیشینه بوده و در اثر تکرار، به صورت

۲- فریتیفوف شؤوان، گوهر و صدف عرفان اسلامی، ترجمه مینو حجت، چاپ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۷-۱۰۸.